

اگر در سال چندین روز 8 مارس وجود داشت

بمناسبت 8 مارس روز جهانی زن

این روزها تب و تاب گرمی داشت 8 مارس به گونه ای است که کمتر حزب و جریان و یا گرایش و حتی انسانهای منفردی پیدا می شوند که تاب بی تفاوتی در قبال موضع گرفتن و اظهار نظر کردن در باب 8 مارس روز جهانی زن را داشته باشند و همزمان شاهد طرح نابرابریهای موجود در جامعه و راه رسیدن به برابری زن و مرد از دیدگاههای متفاوتی هستیم. دیدگاههایی که بیان گرایشات و خاستگاههای طبقاتی اجتماعی درون جامعه است، در این روزها مثل هر زن عاصی از این نابرابری آرزو می کنم که کاش در سال چندین بار روز جهانی زن برگزار می شد.

من هم پیشاپیش فرارسیدن 8 مارس روز جهانی زن را به همه زنان ستمدیده و آسیب دیده از روابط و مناسبات این دنیای نابرابر و وارونه و همچنین به تمام زنان و مردان آزادیخواهی که برای رسیدن به جهانی عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری مبارزه می کنند تبریک می گویم و امیدوارم که 8 مارس امسال که مصادف است با صدمین سال برگزاری 8 مارس 1908 در نیویورک، روز عرض اندام و حضور میلیونها زن ستمدیده و مرد آزادیخواه در گوشه و کنار جهان شود که با مبارزه آگاهانه خود سرشار از جسارت و فداکاری انقلابی نظام سرمایه داری و مردسالارانه را به مصاف کشند.

حدود صد سال از برگزاری 8 مارس روز جهانی زن می گذرد، ولی 100 سال تنها یک عدد صرف نیست، بلکه حکایت از یک قرن مبارزه و تلاش پیگیرانه زنان و مردان مبارز و آزادیخواهی است که برای رسیدن به دنیای برابر و شایسته انسان مبارزه کرده اند، زنان و مردانی که سرکوب و شکنجه و زندان را به جان خریدند، بر جوخه های اعدام بوسه زدند، به زمین خوردند اما زانو نزدند، باز روی پای خود ایستادند و به مبارزه حق طلبانه خود ادامه دادند و از شکستهای و تجربیات خود درس گرفتند تا پر قدرت تر و آگاهانه تر مسیر رهایی را طی کنند و به پاس این تلاشها دستاوردهای چشمگیری هم داشته اند.

ولی در 100 مین سالروز بزرگداشت 8 مارس روز جهانی زن هنوز "دعا" سنگسار می شود و برای "مختاران" حکم تجاوز گروهی صادر می شود، "زهرا بنی یعقوب" خودکشی می شود، راحله زمانی به ار آویخته میشود و شبخ مرگ کابوس دهها زنی است که هم اکنون در زندان های جمهوری اسلامی در انتظار حکم مرگ بسر می برند، هنوز هزاران زن در ایران فقط طی دو ماه در طرح به اصطلاح ارتقا امنیت ملی به دلیل بد حجابی دستگیر می شوند و دختران جوان و کم سن و سال عراقی برای تامین زندگی راهی کلوبهای شبانه دمشق شده و تن نحیف خود را به ثروتمندان عرب برای چند دلاری عرضه می کنند.

اینها و هزاران نمونه دیگر، حکایت وضعیت اسف بار زنان در اقصی نقاط جهان فقط تأکیدی دوباره بر ضرورت مبارزه ای پیگیرانه برای به زیر کشیدن این نظامهای ضد زن و استثمارگر است.

من می خواستم از این فرصت استفاده کرده و صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت 8 مارس به زنان ستمدیده و آزار دیده کردستان و همچنین به تمام زنان و مردان آزادیخواهی که در راه رسیدن به دنیایی برابر برای همه انسانها که از هیچ تلاش و کوششی و حتی از جان خود دریغ نورزیدند، تقدیم کنم.

مبارزین زن در کردستان برای پیشبرد مبارزه علیه ستم جنسیتی با سئوالات و مسائل مشخصی روبرو هستند که در اینجا به رئوس آن به اختصار می پردازم تا شاید پیش در آمدی برای یک مبارزه نظری در

حیطه جنبش زنان در کردستان را دامن زند، مبارزه نظری که بتواند راهگشای مبارزات زنان کرد علیه ستم جنسیتی شود.

زنان در کردستان مانند مردان عموماً از فشارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه داری که در اقصی نقاط ایران و همچنین در تمام گوشه و زوایای این کره خاکی بر زندگی و تن و روح انسانها سنگینی می کند، رنج می برند. اما مانند زنان سایر نقاط جهان از ستم مضاعفی که اسم آن ستم جنسی است، نیز در عذابند و برای اثبات این مسئله نیازی به بحث نیست چرا که ابعاد بی حقوقی زنان در کردستان در آمار خودسوزی و خودکشی زنان این منطقه، افزایش قتل های ناموسی و ... مشهود است.

زنان کردستان همانند مردان این سرزمین تحت فشار ستمی بمراتب بیشتر هستند و آن هم ستم ملی است که قدمت آن به سالها پیش برمی گردد. زنان مناطق کردنشین دهها سال است که فشار جنگهای تحمیلی در بطن جنبش های مقاومت ملی و سرکوب ها و زندانها و آوارگی ها و همزمان فرهنگ سنتی و عشیره ای جامعه کردستان را بر دوش خود دارند.

اگر چه در جامعه کردستان مذهب به میزانی خیلی کمتری به نسبت سایر مناطق ایران ریشه و نفوذ دارد و این فاکتور خیلی مهمی در تأثیر پذیری سریعتر جامعه از افکار رادیکال و چپ بوده و هست که بویژه خود را به نسبت روی آوری زنان به مبارزات جنبش مقاومت خلق کرد خود را نیز نشان داده است.

از سوی دیگر مسئله حجاب اجباری طی سی سال گذشته موجب تنشهای حاد زنان با نیروهای سرکوبگر اسلامی شده است، در منطقه کردستان این تنش بین زنان و ماموران اسلامی بر سر مسئله حجاب اجباری بهیچوجه شدت شهرهای بزرگ چون تهران و اصفهان و ... نیست. این موضوع خود دلایل متعددی دارد ولی باید مثل فاکتورهای ویژه ای در جامعه کردستان به آن برخورد کرد.

در تمام نبردهای اجتماعی، سیاسی و نظامی جامعه کردستان در رویارویی با حکومتهای دیکتاتوری و مستبد و همچنین با جریانهای ارتجاعی محلی و همزمان در تمام صحنه های حماسی مبارزاتی، زنان نقش غیر قابل انکاری داشته و دارند. به دلیل ستم ملی و جنبش های قدرتمند ملی علیه سرکوب گری های دولت مرکزی در کردستان، زنان کردستان همواره انرژی و تلاش خود را صرف رویارویی با دشمن اصلی و همسنگر بودن با مردان در این جنگ و جدلها تخصیص داده و مسئله رفع ستم جنسی و سرکوب زنان در جامعه، در صفوف جنبش های ملی و احزاب درگیر در این جنبش ها را به بعد از پیروزیها و رسیدن به آرمانهای تعیین شده جنبش های ملی موکول کرده اند. به همین جهت حتی در زمانی هم که در مقابل ستم جنسیتی مبارزه و مقاومت کردند این مبارزات و خواسته ها در بطن مسائل «اصلی» تری در کردستان گم شده و یا اصلاً قابل رویت نبوده و نیست.

در هیچ نقطه ای از کردستان نمی توان از حضور نیروهای چپ و رادیکال سخن گفت بدون اینکه اشاره به حضور زنان نکرد. ولی متأسفانه علیرغم تمام جانفشانیها و فداکاریهایی که زنان در عرصه های مختلف مبارزه داشته اند، اما آنچنان که باید و شاید در صحنه جنبش زنان نتوانسته اند با خواستهها و زبان مستقل خود از ستم جنسی سخن بگویند و قابل رویت باشند.

اساساً هر حرکت اعتراضی که در کردستان انجام می شود به نوعی به مبارزه علیه ستم ملی مرتبط می شود، این فاکتور حتی در مبارزات زنان هم خود را نشان می دهد. آنطور که در سایر نقاط ایران مبارزات و جنبش زنان قابل لمس و رویت است در کردستان نیست با اینکه در چند سال گذشته ما شاهد برگزاری 8 مارس روز جهانی زن در های شهرهای مختلف کردستان بوده ایم. بی گمان در میان جنبش زنان کردستان نیز گرایشهای مختلف نسبت به مسئله زنان و راه رهاییشان وجود دارد که هنوز خام و مدون نشده هستند.

این کم و کاستی، خللی بزرگ در فضای مبارزه جویانه کردستان برای جنبش زنان است. این کمبود وظیفه انسانهای چپ و رادیکال و فعال جنبش زنان را چندین برابر می کند تا بتوانند با طرح و نقد افکار مردسالارانه و گرایشات بازدارنده، جنبش زنان کردستان را بعنوان جنبشی رادیکال در جهت از بین بردن هرگونه نابرابری و تبعیض جنسی و بعنوان بخشی لاینفک از جنبش سوسیالیستی تقویت کنند.

جنبش های اجتماعی در جوامع امروزی نمی توانند به آرزوهای خود برسند مادام صف عظیم زنان و نصف جامعه را با خود نداشته باشند و مادام که برای جلی این نیروی پر انرژی به مبارزه ای بی امان علیه افکار مردسالارانه و ضد زن در صفوف خود دامن نزنند.

صحبتیم را با طرح چند سؤال که بررسی آنان نقش مهمی در راهگشایی مبارزات زنان و پیشروی بسوی جامعه ای عاری از هرگونه ستم و استثمار بر زنان دارد به پایان می رسانم:
ستم ملی چه تاثیری روی ستم جنسی بر زنان دارد؟
ستم جنسی در مناطقی که توده های مردم بر علیه ستم ملی مبارزه می کنند به چه شیوه ای خود را نشان میدهد؟

آیا با برطرف شدن ستم ملی زنان هم از آزارهای ستم جنسی رها می شوند؟
چرا در کردستان عراق که به اصطلاح مردم قدرت را در دست دارند و تا اندازه ای ستم ملی برطرف شده ولی زنان بیشتر از سابق کشته می شوند؟
اینها و دهها سوال دیگر که جلو پای فعالین جنبش زنان بویژه در کردستان قرار دارد که باید جواب خود را بگیرد تا راه را برای این رود طغیان به دریای طوفانی باز کند.

زنده باد 8 مارس

گلاویژ حسینی 5 مارس 2008

galavejhosseini@hotmail.com